

# خاموشی مورخ تاریخ مطبوعات ایران

(آبان ۱۲۹۹-۲۷ مرداد ۱۳۸۹)

علی دهباشی

۶۶۷

بخارا

سال سیزدهم

شماره ۷۶

مرداد - شهریور

۱۳۸۹

مسعود برزین مورخ تاریخ مطبوعات ایران و مترجم ده‌ها کتاب از جمله کتاب «زندگی من» مهاتما گاندی سرانجام پس از یک دوره بیماری ساعت ۹/۳۰ صبح چهارشنبه ۲۷ مردادماه ۱۳۸۹ درگذشت و فردای آن روز (پنجشنبه) طی مراسمی در بهشت زهرا به خاک سپرده شد. سابقه آشنایی بنده بااستاد زنده‌یاد مسعود برزین به ۲۵ سال قبل بازمی‌گردد. طی این دوران همواره از ارشادات و راهنمایی‌ها و محضر پرمهرش بهره‌مند بوده‌ام. به خصوص در دوران مجله‌نگاری‌ام از مشوقان و حامیان «کلک» و «بخارا» بوده‌اند. مسعود برزین در سوم آبان‌ماه ۱۲۹۹ متولد شد. دبیرستان را در دبیرستان فیروز بهرام به پایان رساند و دو سال در دانشکده حقوق تحصیل کرد و سپس به دانشکده ادبیات رفت و زبان انگلیسی را در بهترین سطح آموخت و از همان دوران فعالیت‌های مطبوعاتی‌اش را آغاز کرد و در جریان کنفرانس صلح پاریس به عنوان خبرنگار روزنامه مهر ایران شرکت کرد. ناگفته نماند که دو سالی را هم در مدرسه روزنامه‌نگاری به تحصیل پرداخت و با مدرک و نامه‌ای ستایش‌آمیز از استادش به ایران بازگشت و در روابط عمومی شرکت نفت به کار مشغول شد و در همین سال یعنی ۱۳۳۲ است که با هنرمند نقاش مهیندخت عظیمی ازدواج کرد که حاصل این ازدواج فرزندان ارجمندی به نام‌های سعید، شاهین و گلبرگ هستند که هر کدام دستی در ترجمه و پژوهش و تحقیق دارند. برزین همزمان در شرکت نفت با مطبوعات آن زمان همکاری می‌کرد. از جمله با نشریه «آسیای جوان» و یک دوره هم سردبیر هفته‌نامه «خواندنی‌ها» شد. وی همچنین از بنیانگذاران «سندیکای مطبوعات» در دهه ۴۰ بود. مسعود برزین از آن نوع انسان‌هایی بود که



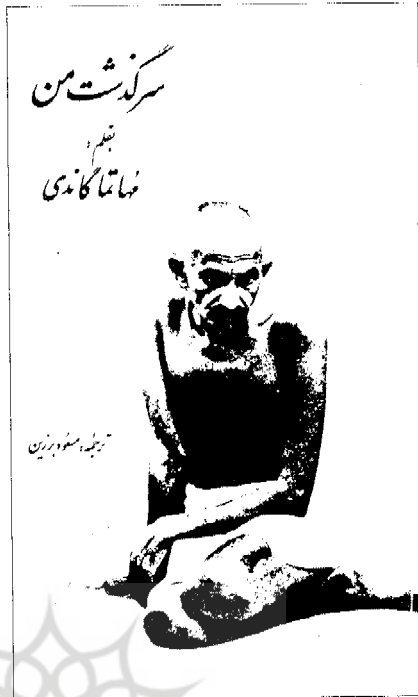
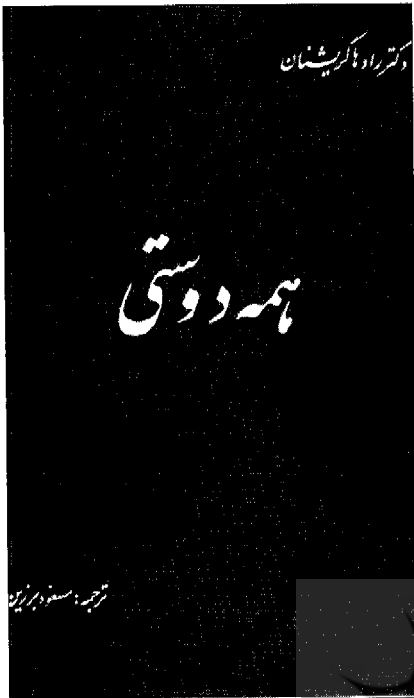
• مسعود برزین در آخرین روزها

دارای خصوصیات «منزه‌طلبی» است. متأسفانه در سال‌های اخیر در ادبیات سیاسی ما بر این تعبیر معنای دیگری مترتب شده که دور از مفهوم واقعی است. سال‌ها بود که به ایشان اصرار می‌کردم خاطرات خود را بنویسد. سرانجام پذیرفت و در ایامی که نزد فرزندش دکتر سعید برزین در لندن اقامت داشت، کمی نوشت. اما ناگفتنی‌ها را نگفت و نوشت! آنچنان مبادی آداب و اخلاق بود که از قضاوت کردن در گفته‌ها و نوشته‌هایش پرهیز می‌کرد. آنچه اکنون از خاطرات او باقی مانده و به لطف همسر و دختر ارجمندش در اختیارم قرار گرفته، نماد اخلاق و پاکیزگی روح و روان در نوشته‌هایش است. مجموعه یادداشت‌هایش برای تجدید چاپ کتاب بسیار مهم و مرجع «شناسنامه مطبوعات ایران» دو برابر حجم چاپ اول آن است. در این سال‌ها که به تدریج اخلاق حرفه‌ای از عالم کار ما رخت برمی‌بندد، بارها از آثار او تا ۵۰ صفحه کپی کردند و در کتاب‌ها و رساله‌های دانشگاهی، اشخاص به نام خود منتشر کردند. ندیدم هرگز گله کند و با نهایت فروتنی اظهار می‌داشت که: «همین قدر که کارهایم مورد ارجاع است برای من کافی است.»

او که در سمت‌های گوناگون کار کرد و تجربه اندوخت در گوشه‌ای از خاطرات خود می‌نویسد: «در طول چهل سال بیش از ۱۷ شغل مختلف داشتم. علتش این بود که میز اداره راضی و قانع نمی‌ساخت. میل داشتم از این شاخه به آن شاخه بپریم. تجربیات اجتماعی و فرهنگی بیابم. همیشه در جستجو بودم و خواستار بینش درست.»

کتاب «شناسنامه مطبوعات ایران» بدون تردید تا دهه‌های آینده یگانه تحقیق ماندگار در





که شناسنامه یکصد ساله تاریخ روزنامه‌نگرای ایران را در چندین جلد تألیف کرد. سخنران بعدی حمید دهقان از نویسندگان نشریه آسیا بود که از اهمیت نقش مسعود برزین در تشکیل سندیکای روزنامه‌نگاران سخن گفت و خاطراتی از سعه صدر و روحیه شریف برزین در جریان انتخابات سندیکا بیان کرد. و در پایان، علی هاشمی از نیم قرن دوستی با برزین سخن گفت و با ذکر خاطرات تلخ و شیرین از زندگی برزین تصویر تازه‌ای از وی به دست داد.

آینه و آماج ناگور

کابولی والا

ترجمه مسعود برزین

به یاد نازنین، علی محمد حق شناس

بنفشه‌ای

گنجشگک ریزی را  
تنگ در آغوش فشرده بود

چشمه‌ای

کوه را پناه داده بود.

پریشان بافته‌ای

از

حریرِ مه

کوه و زمین و زمان

را

در شوای وهم پوشانده بود.

نسیمی

از دل لاله

برون آمد

بنفشه را بوسید

چشمانش را در چشمه شست

تنم را ناز کرد

مستانه رقصی کرد شاعرانه

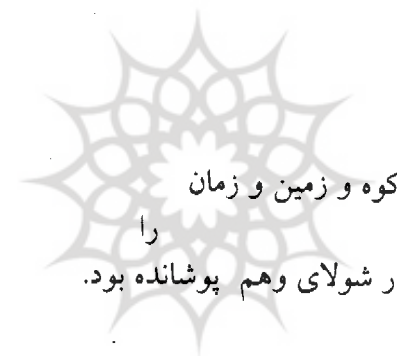
و

رو به روی خدا ایستاد.

تابستان ۱۳۸۹ (۲۰۱۰)

کوه‌های آلپ - اتریش

Silveretta (Montafon)



ژویشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی  
رتال جامع علوم انسانی